



۲۰۱۷/۰۶/۰۳



ولی احمد نوری

یاد بودی از "مرجان" دخت مهجور افغان! غربت زده دگری در دیار بیگانه به خاک رفت

روز پنجشنبه یازدهم جوزای ۱۳۹۶ شمسی (اول جون ۲۰۱۷ میلادی) به ساعت سه و نیم بعد از ظهر "مرجان کمال" دختر دانشمند و مبارز افغان و بزرگ شده در فرانسه را در خاک فرانسه به خاک سپردیم.

روح و روانش شاد و یادش همیشه گرامی باد

باز هم شمعی در شبستان غربت خاموش شد،



"مرجان کمال" در حال ایراد بیانیه ای در کنفرانسی منعقدہ پاریس پیرامون بدبختی های کشورش

فرشته دختری، چهل و یک سال قبل در یک روز خزان (یکشنبه ۳۰ عقرب ۱۳۵۶ شمسی - ۲۱ نومبر ۱۹۷۶ میلادی) در شهر زیبای کابل به دنیا آمد که نامش را "مرجان" گذاشتند. در بالا تصویر او را گل های مرجان دریایی^۱ در آغوش گرفته اند:

مرجان سه ماهه بود که والدینش عازم پاریس شدند و در آن شهر رحل اقامت گزیدند. جایی که مرجان دوره مکتب را سپری نمود و دیپلوم بکلوریای خود را در سال ۱۹۹۵م از یکی از مکاتب معروف فرانسه به نام مکتب (الزاسیئن) [l'Ecole Alsacienne] به دست آورد. همزمان زبان فارسی را در یک مکتب ایرانی فرا گرفت.

در سال ۱۹۹۷ یک دیپلوم تاریخ هنر و باستان شناسی را از پوهنتون سوربون به دست آورد و در سال ۱۹۹۸ سند لایسنس در تمدن آسیای میانه و زبان دری را حاصل نمود. در سال ۱۹۹۹ به گرفتن دیپلوم ماستری [diplôme de Maitrise] خود در شق تاریخ قرون وسطی [moyen-âge] از پوهنتون سوربون موفق شد و همزمان لایسنسی در شق اسلام شناسی و زبان عزیز پشتو تحت رهنمایی پروفیسور مریم ابو زهب دریافت نمود.

در سال ۲۰۰۴ میلادی دیپلوم (دی. او. آ.) خود را در رشته تحلیلات مقایسوی فضاهاى سیاسى ای شعبه جهان اسلام در یکی از کلان ترین و با شهرت ترین مکاتب عالی سیاسی فرانسه [Sciences Po Paris] که حیثیت تحصیلی آن بلندتر از فاکولته هاست، تحت نظر و ریاست پروفیسور (ژیل کپیل) به دست آورد. موضوع راپور دیپلومش اعمار مجدد دولت افغانستان در محیط بعد از جنگ بود.

فراموش نکنم که این پروفیسور بزرگ فرانسوی در مراسم جنازه مرجان نامراد اشتراک داشت که خانواده مرجان از این لطف و صمیمیت ایشان جهان سپاس دارند.

[Diplôme de DEA]

en Science Politique en Analyse Comparative des Aires Politiques section monde musulman

در سال ۲۰۰۵م به نوشتن تیزس دوکتورایش بالای تحرك کشمکش و تضاد قوه های نظامی در افغانستان اقدام کرد که مجبور شد سالیان درازی در سراسر خاک افغانستان با تعداد زیادی از عاملان و سردمداران اساسی افغان که در درگیری ها و تضاد ها شامل اند، ملاقات داشته باشد. در کنار فعالیت ها، برای دستیابی پول مصارف این همه سفر ها و تحقیقات لازم، مرجان منحيث مشاور مأموریت هایی را با رابطه به باز

۱- (مرجان) مهره کوچک دریایی است، مرواریدی از دل دریا از تبار زر و سیم و لؤلؤ و مرجان. مثل همه آدمیان از تبار گل است ولی با گذشت زمان تغییر خورده و به مرجان مبدل می شود. در جهان رنگ ها رنگی وجود دارد به نام "رنگ مرجانی" و گلی وجود دارد به نام "گل مرجان" همین گلی که در بالا تصویر مرجان را احاطه نموده.

سازی افغانستان، ایجاد دولت و امور انجمن های کمک برای اعمار مجدد افغانستان و در سرویس های مشورتی تحرکات قوای ناتو به انجام رسانید.

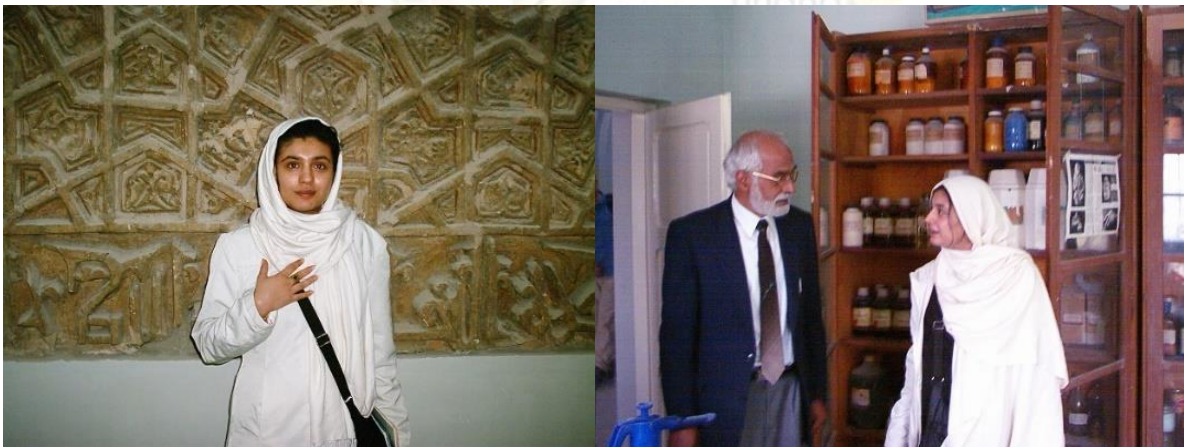
مرجان خستگی ناپذیر تا آخرین دقیق زندگی اش، یک هفته پیش از ترک ما و زندگی هنوز هم پروژه دگر را در سر داشت که بتواند در باره همه فعالیت هایش مطلبی برای نشر آماده سازد که با درد، مرگ فرصت آنرا برایش نداد.

یک ماه قبل در یکی از روز ها که در کنار بسترش بودم از او اجازه خواستم یکی از مقالاتش را که در مطبوعات فرانسه زیر عنوان (تشکیل حکومت وحدت ملی و ایجاد مشکلات در سیستم اداره و حکومت)

[La difficile Constitution du Gouvernement d'Union Nationale]

نشر شده بود و سر تا پا از افغانستان، درد هایش و مشکلات گوناگونش حرف می زد، برای نشر در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین ترجمه کنم. به خوشی پذیرفت ولی خواهش کرد که چند روز صبر کنم که صحتیاب شود و به خانه برگردد و بتواند آنرا تجدید نظر کرده و با واقعات دردناکی که در این اواخر اتفاق افتاده آماده نشر مجدد سازد و برایم تقدیم نماید. که با درد و تأسف چنین نشد. همین لحظه نگاه مهربانش و تبسم ملیح اش را می بینم و مانع باران اشکم شده نمی توانم.

گفتنی در باره این دخت افغان، این موجود بهشتی، این انسان دوست داشتنی زیاد است. بقیه را برای بخش دوم این مطلب دردناک می گزارم و با نشر یکی دو عکس از سفر هایش به افغانستان این قسمت را به پایان می رسانم.



مرجان کمال در یکی از سفر هایش به افغانستان در موزیم کابل در حال مذاکره با شاغلی مسعود مدیر موزیم

"ناله را هر چند خواهم که پنهان تر کشم

سینه می گوید که تنگ آمدم فریاد کن"

**** * ****



مرجان در حال ویزیت ساختمان مکتب دختران در ولایت لغمان



مرجان در یک ساحه کشت امتحانی گندم در نواحی دارالامان کابل با انجنیر قدوس متخصص زراعت

دل مام و تبارت پس چگون ست
 فغان و ناله ها از بس فزونست
 که وصف خوبی ات از حد برون است
 همی گفتند، بانو نوفنونست^۲
 چنین بازی خصال چرخ دون است
 عروس نیل در کامش چو نون است
 فلک را این روال و این فسون است
 نهال آرزو بشکسته گونست
 ثوابت بی گمان از حد بیرون است
 "مهاجر" در بهشت حق درونست
 دعای دوستان بهرت کنونست^۳

دل بیگانگان بهر تو خون است
 ز چشمان، خون دل آید چو سیلاب
 تو ای مرجان سرو گلبن و باغ
 به خلق نیک و پاکی شهره بودی
 ترا تیغ اجل چون گوی بر بود
 تو گویی باز طغیانی شد این رود
 بسازد نقش خوب و باز گیرد
 جوانی و فزون آمال و رؤیا
 چو در هجرت سفر کردی ازین دهر
 نویدی این چنین آمد به گوشم
 خدا را جای تو فردوس برین باد

پایان قسمت اول
ادامه دارد

نوت:

فاتحه مرجان کمال فردا یکشنبه چهارم جون به ساعت دوی بعد از ظهر در آدرس ذیل منعقد میگردد:

Salle Universelle – ۲۰ rue Emile Zola ۹۳۱۲۰ LA COURNEUVE

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/AAO/aao_marsiaii_bar_marg_marjan.pdf

- ۲- چرا نوفنون گفتیم؟ برای اینکه مرجان در چندین رشته علمی تخصص داشت. مرجان از پوهنخی علوم سیاسی (سیانس پو) لیسانس و ماستری اش را گرفته بود و اکنون مصروف گرفتن دوکتورایش بود. برای اینکه در مورد مسائل کشورش افغانستان مطالعات گسترده و عمیق نموده بود و در مورد آن برای جامعه فرهنگی و سیاسی فرانسه کنفرانس ها داده بود. برای اینکه جهت شناخت جامعه افغانی بیشتر از دو سال به تمام نقاط افغانستان مسافرت ها نموده و با تماس با همه اقشار جامعه افغانی راپور های علمی و فرهنگی بیرون داده بود. من مقالات و نوشته هایش را در نشرات فرانسه همیشه تعقیب نموده و به آن بالیده ام.
- ۳- این شعر از مامای بزرگ مرجان، جناب عزیز احمد نوری (برادر بزرگ) من است که از صفحه ۱۸۲ دیوان "شیون آوارگان" تألیف این کمترین گرفته شده است.